

نقش دولت در تعیین قیمت کالاها و خدمات در نظام اقتصادی اسلام

محسن طرفدار*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۸/۱۰

چکیده

انسان به مقتضای فطرت خود اجتماعی است. تعدد نیازهای انسان و محدودیت‌های توانمندی او در تأمین نیازهایش، او را به سوی مبادله و معامله می‌کشاند تا مازاد محصول تولید خود را با مازاد محصولات دیگران معاوضه کرده و نیازهای خود را برطرف نماید. در این میان برابری ارزش کالاهای مبادله شده تضمین کننده عدل و انصاف است. اکنون که اکثر معاملات پولی است و کالا با پول معاوضه می‌شود، این ابهام وجود دارد که هرگاه در جامعه اسلامی قیمت کالاها و خدمات افزایش یابد و قدرت خرید مردم به خصوص حقوق بگیران کاهش پیدا کند، حکومت اسلامی و دولت چه وظیفه‌ای برای مقابله با این وضعیت دارد؟ آیا دولت می‌تواند برای کالاها و خدمات قیمت تعیین کند و بر آن نظارت و کنترل نماید؟ آیا نصیحت و تذکر و بطور کلی امر به معروف و نهی از منکر کافی است؟

روش تحقیق در این مقاله اسنادی بوده و از منطق قیاسی بهره‌برداری شده است. در ارائه این مقاله از مدارک و منابع اصیل اسلامی شامل آیات و روایات و نیز تفاسیر معتبر استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد حاکم اسلامی نباید مستقیماً در تعیین قیمت‌ها کالاها و خدمات دخالت کند، بلکه باید اجازه دهد فراوانی و کمیابی نسبی کالاها و شرایط فصلی و دیگر عوامل قیمت‌ها را آزادانه معین کند ولی در صورت بروز شرایط غیر عادی که افزایش قیمت‌ها موجب ظلم و اجحاف به مردم می‌شود برای رفع ظلم در بازار دخالت کرده و قیمت‌گذاری کند. در حالت عادی و معمول نیز ارشاد حاکم اسلامی یا نماینده ایشان در توجه دادن مردم به وظایف اخلاقی و شرعی آنان و نیز امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در تضمین عادلانه بودن قیمت‌ها موثر باشد.

واژگان کلیدی

تورم، بازار، قیمت‌ها، دولت اسلامی، کالاها و خدمات، مبادله، نظارت

مقدمه

دولت از مهمترین نهادهای بشری است که حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. هزاران سال است که انسان برای تحقق نظم اجتماعی و سهولت زندگی خود و بهره‌مندی از امنیت داخلی و دفاع در برابر دشمن، نهاد دولت را سامان داده است. دولت‌ها در این مدت گاه مردمی و گاه ضد مردمی بوده، گاهی رفتاری عادلانه و گاه رفتاری ظالمانه از خود نشان داده‌اند. ضرورت وجود دولت، حتی ظالم، برای اجتماع انسانی، از حدیث امیر المومنین استفاده می‌شود: «... لا بد للناس من امیر بر او فاجر...» (نهج البلاغه، خ ۴۰). «... مردم به هر صورت ناچار هستند که به یک فرمانروایی تن دهند خواه نیکوکار باشد یا پلید...». گرچه جنبش‌های اجتماعی برای تغییر دولت‌ها شکل می‌گرفتند، اما به هر حال هیچ مردمی، نبود دولت را در باور خود راه نمی‌داد. زیرا می‌دانست نبود نهاد قدرتمند در جامعه موجب هرج و مرج اجتماعی می‌شود. وظایف دولت‌ها در گذر زمان بر حسب دیدگاه‌ها متفاوت بوده است. در اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت حیطة دخالت آن در امور اجتماع به تبیین دقیق وظایف دولت اسلامی بر اساس متون دینی و مقایسه آن با وظایف انواع دولت‌ها مطرح در ادبیات اقتصادی، نیازمند است.

در این تحقیق، در قسمت اول، وظیفه اقتصادی دولت اسلامی از دیدگاه منذر قحف، امام خمینی، شهید صدر و آیت اله امینی ذکر شده است. در قسمت دوم، مبادله به عنوان تشکیل دهنده اساس و پایه اجتماع مدنی مطرح و ضرورت آن بیان شده است. در قسمت سوم، تحت عنوان نقش دولت اسلامی در تعیین قیمت کالاها و خدمات با استناد به روایات و احادیث و نیز قول علامه طوسی که گویای دیدگاه همه علمای شیعه است بحث بطور مستند ارائه گردیده است. در قسمت چهارم، نقش نظارتی دولت اسلامی در بازار مطرح و در پایان نتیجه‌گیری شده است.

۱. وظیفه اقتصادی دولت اسلامی

درباره وظایف و نقش دولت در اقتصاد عموماً و در بازار خصوصاً، مطالب زیادی از قول دانشمندان مسلمان اعم از شیعه یا سنی نقل شده است. منذر قحف می‌گوید: محققان اسلامی درباره وظایف دولت اسلامی به شرح زیر سخن گفته‌اند:

۱. اداره عمومی، اجرای قانون و حفاظت از امنیت داخلی و خارجی.
 ۲. دفاع از دین و قلمرو آن، شعار درستکاری و تقوا.
 ۳. تضمین سطح حداقل زندگی برای کسانی که درآمد ایشان برای تأمین نیازهای اساسی آن‌ها کافی نیست.
 ۴. کوشش در جهت بهبود رفاه مادی جامعه و افراد آن.
 ۵. مدیریت دارایی‌های عمومی به نفع اعضای جامعه.
 ۶. برقرار کردن چیزهایی که خوب است (امر به معروف) و بازداشتن از چیزهایی که بطور عمومی بد است (نهی از منکر) و حمایت و حفاظت از پیمان‌های اخلاقی و نیازهای اعضای جامعه (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹).
- از دیدگاه امام خمینی وظایف دولت اسلامی شامل ۵ مورد زیر است:
۱. اجرای نظام اقتصادی اسلام و حرکت دادن جامعه به سمت اهداف نظام.
 ۲. نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی برای پیشگیری از تخلفات.
 ۳. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت هدایت فعالیت‌های بخش خصوصی.
 ۴. انجام فعالیت‌های که بخش خصوصی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آن‌ها بپردازد.
 ۵. انجام فعالیت‌های که بخش خصوصی برای تحقق آن‌ها توانا است ولی اجرای آن به وسیله بخش خصوصی مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است (میرمعزی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۰).

در دیدگاه امام خمینی وظایف دوم و سوم دولت اسلامی، رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی را بین دولت و بازار ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که از وظایف اساسی دولت، کنترل بازار و نیز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت فعالیت‌های بخش خصوصی است. ضمن اینکه، طبق اعتقاد ایشان، وظیفه دولت اسلامی، اعتلای معنوی انسان، استقلال اقتصادی، ریشه کن کردن فقر از جامعه و ایجاد رفاه عمومی، تعدیل

ثروت و رشد و سازندگی است که در میان وظایف فوق‌الشاره، تعدیل ثروت عمدتاً از طریق نظارت و کنترل بازار و معاملات امکان‌پذیر است. بنابراین دولت با کنترل و نظارت بر بازار می‌تواند توزیع عادلانه درآمد و تعدیل ثروت را به عنوان وظیفه مهم خود محقق سازد.

در جایی دیگر ایشان از دولت می‌خواهد در برنامه‌ریزی اقتصادی به طبقه ضعیف و کم درآمد توجه کند. ایشان در این خصوص در جمع گروهی از اعضای سپاه پاسداران در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۴ می‌فرمایند: «من امیدوارم که با تحقق جمهوری اسلامی و توفیق ما و توفیق شما به اینکه یک همچو عدل اسلامی را مستقر کنیم، گرفتاری همه ما رفع بشود، گرفتاری کارمندان رفع بشود، گرفتاری کارگرها رفع بشود، دولت، ما همه، در صدد این هستیم که یک زندگی صحیح خوب برای کارمندان برای طبقه ضعیف، برای این مستضعفینی که سال‌های طولانی تحت فشار بودند، برای این کارمندانی که در کارخانه‌ها، کارگرانی که در کارخانه‌ها کار می‌کنند برای کشاورزان برای همه» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۱۳). همچنین ایشان در جمع روسای جمهور و مجلس و گروهی از مستضعفین جنوب تهران در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۴ می‌فرمایند: «دولت واقعا باید با تمام قدرت آنطوری که علی(ع) برای محرومین دل می‌سوزاند، دل بسوزاند. مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آن‌ها را سیر کند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۱۵۹).

از آنجایی که افزایش بی‌رویه سطح قیمت‌ها و گرانی کالاها بیشترین ضربه را به اقشار کم درآمد و طبقه حقوق‌بگیر از جمله کارگران و کارمندان وارد می‌کند و سطح معیشت آن‌ها را تنزل می‌دهد، تأکید امام خمینی(ره) در حمایت دولت از این افراد قطعا شامل نظارت و کنترل سطح قیمت‌ها و جلوگیری از اجحاف به این اقشار و برقراری قیمت‌های منصفانه در بازار نیز می‌شود.

مرحوم شهید صدر دو وظیفه اساسی برای حکومت اسلامی در محدوده امور اقتصادی قائل است: اول، تطبیق عناصر ثابت اقتصاد اسلامی و تعیین عناصر متغیر هماهنگ با شاخص‌های کلی و دوم، اجرای وظیفه اول مطابق با شرایط و ظرفیت نظام

اقتصادی. این دو وظیفه اساسی و گسترده، مسئولیت‌های تفضیلی برای حکومت پدید می‌آورد که تعدادی از آنها چنین است:

۱. تأمین اجتماعی که عهده‌دار حداقل رفاه نسبی برای همه افراد جامعه است.
۲. توازن اجتماعی در زندگی با نزدیک کردن بین سطوح زندگی و توازن اجتماعی در درآمد با منع از احتکار، انحصار و تمرکز ثروت.
۳. بهره‌برداری از تمام امکانات و منابع موجود به نفع بخش عمومی از طریق وضع سیاست کلان و رشد و توسعه اقتصادی.
۴. دخالت مسئولانه در بازارهای کالا، خدمات، سرمایه و... به منظور حفظ قیمت مبادله‌ای حقیقی، از طریق مبارزه با انحصار در تمام میادین زندگی اقتصادی (جهانیان، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴۶).

همچنین در خصوص وظیفه حکومت اسلامی در امور اقتصادی جامعه، آیت اله ابراهیم امینی در مقاله‌ای تحت عنوان نقش اخلاق در اقتصاد اسلامی می‌گوید: «... مگر با پند اندرز وعده و وعید و ذکر بهشت و پاداش‌های اخروی و جهنم و عذاب‌های آن، می‌توان با ظلم و ستم و استعمار و استکبار و استعصاف مبارزه کرد و عدل اجتماعی را برقرار ساخت مگر با اخلاقیات صرف، می‌توان با ربا خواری، گران فروشی و احتکار و تقلب و غصب حقوق کارگران مبارزه کرد؟ ... و در یک سخن، اقتصادی که پشتوانه‌اش موعظه و نصیحت و دعوت به اخلاق باشد در واقع اقتصاد نیست. چنین اقتصادی ممکن است برای تربیت و رشد نفسانی و تکامل بعضی از افراد مفید باشد لیکن به وسیله آن نمی‌توان عدل اجتماعی را برقرار ساخت و کشورداری کرد ... گرچه اسلام در امور مربوط به اقتصاد از پند اندرز و وعده و وعید و دعوت به اخلاقیات بطور گسترده استفاده کرده است لیکن ضامن اجرای و پشتوانه اقتصاد اسلامی اخلاقیات محض نیست، بلکه ولایت و حکومت اسلامی است. حاکم شرع اسلام است که در محدوده احکام شرعی و اختیاراتی که از جانب شارع به وی واگذار شده یک برنامه جامع و کامل اقتصادی را که تأمین کننده رشد اقتصادی و عدل اجتماعی باشد تنظیم و به اجرا می‌گذارد و خود او هم ضامن اجرا خواهد بود» (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۲).

بنابراین بخش قابل ملاحظه‌ای از وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام در ارتباط با بازار شامل تهیه قوانین و مقررات، تنظیم روابط، اجرای قوانین و کنترل و نظارت بر آنها در چارچوب بازار و نظام معاملات و مبادلات است.

۲. مبادله، اساس اجتماع مدنی

انسان که به مقتضای فطرت خود به صورت اجتماعی و در کنار یکدیگر زندگی می‌کند نیازهای پر شمار خود را از طریق معامله و مبادله تأمین می‌کند. هر کس کالا و خدمات مازاد بر احتیاج خود را که تولید می‌نماید با کالا و خدمات که دیگران تولید نموده و به آنها احتیاج دارد، داد و ستد می‌کند و بدین ترتیب هرکس در تلاش برای به دست آوردن کالاهای مورد نیاز خود، نیاز دیگران را مرتفع می‌کند و به این صورت جامعه انسانی از طریق ارتباط نزدیک افراد با یکدیگر و تعامل با هم به رشد و تعالی خود ادامه می‌دهند. اما آنچه که می‌توان این تعامل مثبت و رشد و تعالی را بر هم زند، تفاوت ارزش میان کالاها خدمات مورد مبادله است. در معامله هر کس مایل است کالاهای تولیدی خود را با کالای دیگری که ارزش آن حداقل برابر با ارزش کالای خود دارد مبادله نماید؛ در غیر این صورت یکی از طرفین معامله مغبون شده و خود را در معامله متضرر خواهد دید. در نظام اقتصادی کنونی که اکثر معاملات پولی است، اگر خریدار پول و بهای بیشتری را نسبت به ارزش کالا بپردازد گران خریده و با پرداخت هزینه بیشتر برای کالا مقداری از قدرت خرید خود را از دست داده است و اگر فروشنده کالای خود را با ارزش کمتری بفروشد و پول کمتری دریافت نماید و اصطلاحاً ارزان بفروشد، بخشی از درآمد خود را از دست داده و متحمل زیان شده است. این وضعیت، برای یکی از طرفین معامله غیر قابل قبول بوده و از عدالت و انصاف به دور است. تحت این شرایط حضور و نقش مؤثر دولت برای زدودن این وضعیت و جلوگیری از احجاف در حق یکی از طرفین معامله اهمیت می‌یابد تا ضمن برقراری عدالت و انصاف در معاملات در راستای تعدیل ثروت، ایجاد رفاه عمومی و ریشه کن کردن فقر گام مؤثری بردارد.

در این خصوص علامه طباطبایی می‌فرماید: «... اساس اجتماع مدنی که بین افراد انسانی تشکیل می‌شود بر مبادله و داد و ستد است و هیچ مبادله‌ای بین دو فرد از افراد انسان برقرار نمی‌شود مگر آنکه در آن دریافتی و اعطایی باشد. بنابراین افراد مجتمع در شؤون زندگی خود تعاون دارند. فرد چیزی از خود به دیگری می‌دهد تا از چیزی مثل آن یا بیشتر از آنکه از آن می‌گیرد استفاده کند؛ یا به دیگری نفعی می‌رساند تا از وی به سوی خود نفع دیگر جذب کند، که ما این را معامله و مبادله می‌گوییم و از روشن‌ترین مصداق‌های این معامله، معامله‌های مالی است. به ویژه معامله‌هایی که در کالای دارای وزن و حجم صورت می‌گیرد. کالاهایی که به وسیله ترازو سنجش می‌شود ... آنچه را که یک انسان در زندگی‌اش احتیاج دارد و آنچه را که هم باید در مقابل به عنوان بها پردازد با کیل یا وزن اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به وی خیانتی شود که خودش ملتفت نشود تدبیرش در زندگی‌اش تباہ و تقدیر و اندازه‌گیری‌اش باطل می‌شود. با این خیانت، معیشتش از دو جهت مختل می‌شود: یکی از جهت کالایی که می‌خرد و دیگری از جهت آنچه که به عنوان بها می‌پردازد. در جهت نخست، نیازش آنطور که باید، برآورده نمی‌شود و در جهت دوم، پول بیشتر از آنچه گرفته می‌پردازد. پول زائدی که در به دست آوردنش کوشیده و خود را خسته کرده است. در نتیجه، دیگر نمی‌تواند به درستی نظر و حسن تدبیر خود اعتماد کند ... حال اگر این فساد از یک نفر و دو نفر تجاوز کرده و در کل افراد شیوع یابد، فساد در مجتمع شیوع یافته و چیزی نمی‌گذرد که اطمینان و اعتماد به یکدیگر را از دست داده، امنیت عمومی از آن جامعه رخت بر می‌بندد ... اجتماعشان بر اساس نیرنگ و افساد اداره می‌شود، نه بر اساس تعاون برای تحصیل سعادت» (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

۳. نقش دولت اسلامی در تعیین قیمت کالاها و خدمات

در مباحث نظری اقتصاد، قیمت و مکانیزم تعیین قیمت نقش بسیار مهم و برجسته‌ای دارد، بطوری که محور بخشی بزرگی از مباحث تئوریک اقتصادی که با نام اقتصاد خرد شناخته می‌شود، تئوری تعیین قیمت می‌باشد. در گفتار پیشین از قول علامه طباطبایی ذکر شد که پرداخت پول بیش از ارزش کالای که دریافت شده (گران خریدن) موجب

می‌شود تدبیر شخص در زندگی‌اش باطل و نظام معیشتی او مختل شود و اگر (گران فروشی یا کم فروشی) در جامعه گسترش یابد چیزی نمی‌گذرد که اطمینان و اعتماد به یکدیگر از دست رفته و امنیت عمومی از بین می‌رود و اجتماع انسانی بر اساس نیرنگ و افساد حیات اداره می‌شود نه بر اساس تعاون و تحصیل سعادت. بنابراین دولت به عنوان مظهر اراده جمعی، در نظام اسلامی طبق فرموده امام خمینی (ره) باید بر فعالیت بخش خصوصی نظارت نموده و از تخلفات پیشگیری کند و جامعه را به سمت اهداف متعالی اسلامی رهنمود سازد. در این میان بحث تعیین قیمت از سوی دولت برای کالاها و خدمات و کنترل و نظارت بر آن اهمیت فراوان دارد. اما اینکه آیا دولت باید برای کالاها و خدمات قیمت تعیین کند و نیز بر آن نظارت و کنترل داشته باشد؟ سوال مهمی است که در این قسمت به آن پاسخ می‌دهیم. قبل از ورود به بحث قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت در یک اجتماع اسلامی، بیان سه نکته ضروری است:

اولاً: تورم به معنی افزایش مستمر و بی‌رویه در سطح عمومی قیمت‌ها است و گرانی نتیجه و حاصل تورم است؛ یعنی تورم هنگامی اتفاق می‌افتد که طی دوره زمانی معین مثلاً یک سال بدون ارتقاء کیفیت کالاها، بهای آن افزایش یابد. تحت این شرایط افراد حقوق‌بگیر مانند کارگران، کارمندان، معلمان که حقوق ثابتی دارند و یا افزایش سالیانه حقوق آن‌ها کمتر از نرخ تورم و رشد قیمت‌ها است، زیان می‌کنند. یعنی هر ساله درآمد واقعی آن‌ها (حاصل تقسیم درآمد اسمی بر شاخص قیمت‌ها) کاهش یافته و در اداره زندگی خود دچار مشکل شده و سطح رفاه آن‌ها کاسته می‌شود.

ثانیاً: تورم و بیکاری به عنوان دو معضل اقتصادی همه کشورهای جهان را تهدید می‌کند. به خصوص کشورهای در حال توسعه به علت ضعف ساختار اقتصادی دچار تورم و بیکاری همزمان بوده و با رکود تورمی (یا تورم رکودی) مواجه هستند.

تورم و نتیجه آن گرانی روی اخلاق و رفتار افراد تأثیر نامطلوب دارد و جامعه اسلامی را دچار مشکل می‌کند. روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که می‌فرماید: «گرانی قیمت‌ها، اخلاق و رفتار انسان‌ها را فاسد می‌کند، امانتداری را از بین می‌برد و انسان را در فشار و سختی قرار می‌دهد». اگر چه بیان امام (ع) از آثار منفی پدیده اقتصادی گرانی خبر می‌دهد اما مفاد خبر، امری نبود که دیگران از آن آگاه نباشند.

عموم مردم از آثار منفی تورم خبر داشتند حتی ده‌ها سال قبل از امام صادق (ع). مردم خدمت رسول اکرم (ص) می‌رسیدند و از نابسامانی قیمت‌ها شکایت می‌کردند. بلکه بیان امام در مقام ذکر زشتی هرگونه رفتاری است که به چنین پدیده‌ای منجر می‌شود. بنابراین هرگونه سیاست اقتصادی و اقدام دولت اسلامی که منجر به این پدیده زشت که آثار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منفی در پی دارد بشود نهی شده و حرام است. در واقع بیان امام (ع) نهی در مقام اخبار است که به لحاظ ادبی شدیدتر از نهی است که با صیغه بیان شود (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲).

ثالثاً: در مکاتب غربی اعتقاد آن است که سطح قیمت‌ها در بازار خود به خود تعیین می‌شود؛ عرضه و تقاضا به مانند دست‌های نامرئی قیمت‌ها را بگونه‌ای تعیین می‌کند که منافع فردی و به دنبال آن منافع جمعی تحقق یافته و تأمین می‌گردد. هرگاه مکانیسم عرضه و تقاضا نتواند از طریق نظام قیمت‌ها برخی اهداف اقتصادی، اجتماعی را در جامعه محقق سازد، دولت برای دستیابی به اهداف مذکور با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد به کمک نظام قیمت‌ها آمده و نواقص و ضعف‌ها را برطرف می‌کند؛ و به عبارت روشن‌تر دولت برای جبران ضعف نظام قیمت‌ها سه وظیفه تخصیص، تثبیت و توزیع را بر عهده می‌گیرد (که موضوع بحث مفصلی در علم مالیه عمومی است). بنابراین دولت‌ها در اقتصاد دخالت مستقیمی ندارند و صرفاً جنبه انفعالی داشته و جهت رفع اشکال عملکرد بازار اقدام می‌کنند.

در نظام اقتصادی اسلام، دولت نقش مستقیم در تعیین قیمت‌ها ندارد. این موضوع از روایاتی استنباط می‌شود که از رسول اکرم (ص) نقل شده است. روایات رسیده در این زمینه هماهنگ با آیات قرآن کریم دلالت دارد بر اینکه اصل اولیه در مبادلات آزادی است و قیمت‌ها باید براساس تمایل و رضایت خاطر افراد مبادله کننده صورت بگیرد.

۳-۱. احادیث و روایات معصومین (ع)

۱. از پیامبر اسلام (ص) سوال شده است که: «کالاها را) برای ما قیمت گذاری فرمایید، زیرا که قیمت‌ها کم یا زیاد می‌شوند». حضرت می‌فرماید: «بر آن نیستم که خدا را ملاقات کنم با بدعتی (در دین) که در مورد آن مطلبی به من گفته نشده است. بندگان

خداوند متعال را واگذارید تا برخی توسط برخی ارتزاق کنند. چنانچه خواستید موعظه و نصیحت کنید (فروشنندگان را به کاهش دادن قیمت‌ها مانعی ندارند که) چنین کنید». چنانچه از این روایت برمی‌آید، مردم از رسول اکرم (ص) که مقام حکومتی بوده‌اند درخواست تثبیت قیمت‌ها را کردند، ولی حضرت پاسخ منفی دادند و دخالت در قیمت‌های بازار را بدعت قلمداد کردند. سپس فرمودند بگذارید بندگان خدا توسط یکدیگر معاش خود را تأمین کنند. کنایه از اینکه مکانیسم قیمت‌ها بطور طبیعی دستاوردهای مردم را بین آن‌ها توزیع می‌کند و همه از حاصل تلاش یکدیگر بر اثر مبادله آزاد برخوردار می‌شوند (انصاری و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴).

۲. در روایتی نقل شده است که رسول اکرم (ص) به محتکران گذر کرد و به ایشان فرمود تا آنچه را که احتکار کرده‌اید به بازار بیاورید. وقتی نگاه مردم به کالاهای احتکار شده افتاد به حضرت گفته شد بر ایشان قیمت تعیین نمی‌کنید؟ حضرت (از این سخن) غضبناک شدند؛ بگونه‌ای غضب در چهره ایشان نمایان شد. آنگاه فرمودند: «من بر ایشان قیمت تعیین کنم؟ همانا قیمت با خدا است، هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد».

۳. از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که مردی نزد ایشان آمد و گفت برای دارندگان مواد غذایی قیمت تعیین کنید. حضرت فرمودند: «بلکه خدا را می‌خوانم» (از او می‌خواهم ارزانی نصیب کند)؛ آنگاه شخص دیگری آمد و عرض کرد: ای رسول خدا برای کسانی که مواد غذایی (در اختیار) دارند قیمت تعیین کنید. حضرت فرمودند: «بلکه خداوند متعال است که قیمت‌ها را پایین و بالا می‌برد. همانا امید آن دارد که خداوند را در حالیکه هیچگونه مظلومه‌ای بر گردن من نیست ملاقات کنم» (انصاری و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۵).

۴. روایت شده است که نزد امام سجاد (ع) از گرانی قیمت‌ها سخن به میان آمد. ایشان فرمودند: گرانی به من ربطی ندارد؛ گرانی و یا ارزانی به آن‌ها مربوط است (یعنی مربوط به عملکرد بازار است) (انصاری و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۵).

۵. از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «در زمان رسول اکرم (ص) مواد غذایی به اتمام رسید. مسلمانان نزد حضرت آمده گفتند: ای رسول خدا مواد غذایی به

پایان رسیده و چیزی از آن جز نزد فلان کس باقی نمانده است. به او دستور دهید آن‌ها را بفروشد. حضرت حمد و ثنای الهی را به جای آوردند و آنگاه فرمودند: «ای فلانی، مسلمانان گفته‌اند که مواد غذایی تمام شده است، جز مقداری که نزد توست؛ آن‌ها را (از انبار) بیرون آور و هرطور که خواستی بفروش و آن‌ها را محبوس نکن.»

از مجموعه روایات فوق نتیجه می‌شود که دولت قیمت کالاها و حتی کالاهای احتکار شده را که محتکر باید در بازار بفروشد تعیین نمی‌کند و نوسانات قیمت‌ها در بازار از نظر اسلام امری پذیرفته شده و قابل قبول است. به نظر می‌رسد نوسانات طبیعی و معقول قیمت‌ها در فصول مختلف و یا شرایط خاص قابل تصور و پذیرش است (و قطعاً نوسانات قیمت‌ها اعم از افزایش و یا کاهش ناشی از تبانی تولیدکنندگان (فروشنندگان) و تقاضاکنندگان (خریداران) شرایط خاص و غیر طبیعی است و مورد قبول نیست).

۲-۳. فتاوی فقهای شیعه

به عقیده علامه طوسی اجماع علمای شیعه بر این است که در نظام اسلامی دولت حق تعیین قیمت کالاها و خدمات را در بازار ندارد و در این خصوص تفاوتی بین شرایط گرانی و ارزانی وجود ندارد. ایشان می‌گویند: «برای امام و نایب او جایز نیست که کالاهای بازار، مواد غذایی و یا غیر آنرا قیمت گذاری کند؛ فرقی نمی‌کند که در حال گرانی باشد یا در حال ارزانی بدون (آنکه در این حکم بین فقها) خلافی (باشد)».

گرچه در روایات و احادیث و نظر فقهای شیعه بحث روی عدم قیمت گذاری دولت بر کالاها نظیر مواد غذایی و مانند آن متمرکز شده است، اما به نظر می‌رسد در مورد خدمات تولید شده نیز این قاعده کلی حاکم است. یعنی دولت اسلامی در حالت عادی و متعارف نباید روی خدمات نیز قیمت گذاری کند. علاوه بر این خدماتی مانند تدریس معلم و استاد، مراجعه به پزشک، خدمات وکیل دادگستری، خدمات رانندگان و تعمیرکاران لوازم خانگی و غیره به دلیل آنکه دارای تفاوت‌ها و کیفیت‌های مختلف و متنوع است، در اکثر موارد اساساً نمی‌توان قیمت ثابت و معینی را تعیین کرد. بنابراین معامله خدمات و وجه آن باید با توافق طرفین صورت گیرد و به صورت تراضی باشد.

به نظر می‌رسد در صورت بروز اختلاف نظر درباره قیمت خدمات و کیفیت آن باید به عرف و روال عادی جامعه و یا به افراد خبره و مورد اعتماد رجوع شود تا آن‌ها در این مسئله اختلافی قضاوت نمایند.

اکنون که معلوم شد دولت اسلامی نقشی در تعیین قیمت کالاها و خدمات بالطبع از این طریق تأثیری بر توزیع درآمد در جامعه ندارد، این سوال که نهایتاً قیمت‌ها در یک بازار اسلامی چگونه تعیین می‌شود، بی پاسخ ماند. جواب این سوال را به دو شکل بطور مختصر بیان می‌کنیم.

اولاً: عواملی که در یک نظام اقتصادی آزاد در مبادله آزادانه کالا و خدمات موجب تعیین قیمت می‌شود مانند هزینه‌های تولید، تکنولوژی، مالیات‌ها و یارانه‌های دولتی و ... در زمینه تولید و عرضه و همچنین درآمد مصرف‌کننده، کشش تقاضا، قیمت سایر کالاهای مکمل و جانشین و... در باب تقاضا، در بازارهای اسلامی نیز نقش و تأثیر خود را بر قیمت و نوسانات آن می‌گذارد و در این وضعیت فرقی بین بازار اسلامی و غیر اسلامی وجود ندارد.

ثانیاً: در بازار اسلامی چون طرفین معامله اعم از فروشنده و خریدار مسلمان هستند، وضعیت متفاوتی با بازارهای غیر اسلامی خواهد داشت. آیه ۲۹ از سوره نساء می‌فرماید: «اموال یکدیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر (رضایت هر دو طرف معامله) از شما (انجام گرفته) باشد». طرح «تجارة عن تراض» و لزوم رعایت عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان، گویای این مطلب است که فعالیت‌های مبادلاتی باید آزادانه و با میل و رغبت افراد صورت پذیرد و توافق دلخواه مبادله کنندگان، قیمت‌های نسبی و نقل و انتقال حقوقی کالاها را رقم می‌زند. این می‌تواند یک ضابطه مهم در توزیع درآمد در جامعه اسلامی باشد که علاوه بر آزادی مبادلات، رضایت طرفین نیز شرط اساسی در تحقق مبادله است. فرد مسلمان با علم به اینکه خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل او را به عدل و نیکی و احسان سفارش می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». در هنگام مبادله و داد و ستد، عدالت و آن بالاتر نیکی به طرف مقابل را وظیفه خود می‌داند و با رعایت عدالت به طرف مقابل ستم نمی‌کند و با رعایت احسان، رفاه و آسایش دیگران را مدنظر قرار می‌دهد و لذا تحت این شرایط

تجارت و مبادله صورت می‌پذیرد. هرگاه از این نگاه که ناشی از تربیت اسلامی است، وارد عرصه تجارت شوند قطعاً قیمت‌ها، عادلانه و منصفانه خواهد شد و طبق فرمایش امیرالمومنین (ع) که فرمودند: «خرید و فروش باید با بزرگ منشی و بر اساس عدالت صورت بگیرد و قیمت‌ها بگونه‌ای باشد که به هیچ یک از فروشنده و خریدار ستمی روا نگردد» (حکیمی و برادران، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۸۰)، هیچ اجحافی به طرفین معامله نخواهد شد.

بنابراین در حال طبیعی و متعارف بازار، در سایه عملکرد قانون عرضه و تقاضا، قیمت‌های عادلانه تعیین می‌شود. با حاکمیت این سنت است که پیامبر (ص) فرمودند: «تعیین قیمت‌ها در اختیار خداوند است، هر گاه بخواهد آن را بالا می‌برد و هرگاه بخواهد آنرا تنزل می‌دهد». زیرا شرایط تکوینی و واقعی بالا رفتن و پایین آمدن قیمت در دست او است و هرگاه مقدمات فراوانی و یا کاهش کالاها را فراهم آورد بطور طبیعی قیمت‌ها هم تنزیل و هم ترقی می‌کند. لذا اصل اولی این است که اگر قیمت‌ها به روال عادی و ساز و کار قیمت‌ها در حد عادلانه تعیین شوند، دولت در نرخ‌گذاری نباید دخالت کند، بلکه باید بر قیمت‌ها اشراف و نظارت داشته باشد تا اینکه از این حد مطلوب خارج نشود و در صورتی که اوضاع اقتصادی حاکم بر جامعه بگونه‌ای است که احتکار، اجحاف و دیگر پدیده‌های نامطلوب بروز می‌کند دولت اسلامی می‌تواند تعیین قیمت کند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

۴. نقش نظارتی دولت اسلامی در بازار

اکنون که مشخص شد در شرایط عادی بازار و در جریان بودن روال طبیعی فعالیت‌ها، دولت اسلامی نقشی در تعیین قیمت‌ها ندارند، چه بسا افرادی اعم از عرضه‌کننده و یا تقاضاکننده در معاملات، رعایت عدالت و انصاف را نکرده و در حق طرف دیگر ستم نماید و به عبارت دیگر در شرایط فقدان یک نظام قیمت‌گذاری مشخص از سوی دولت که ضمانت اجرایی نیز داشته باشد، احتمال می‌رود هرج و مرج و نابسامانی در بازار روی دهد که در اینجا ضرورت کنترل دولت بر بازار رخ می‌نماید.

همانگونه که امام خمینی یکی از وظایف پنجگانه دولت را نظارت بر فعالیت‌های بخش خصوصی جهت پیشگیری از تخلفات می‌داند و نیز آیت اله امینی که وظیفه حاکم شرع اسلامی را تنظیم و اجرای یک برنامه جامع و کامل اقتصادی که تأمین کننده رشد اقتصادی و عدل اجتماعی باشد، دانسته که ضمناً ضمانت اجرایی آن از سوی حاکم شرع تأمین شده باشد، همه نشان دهنده اهمیت انکار ناپذیر کنترل و نظارت در بازار می‌باشد.

سیره عملی رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) مؤید این مطلب است که نظارت مستمر این بزرگواران و حضور فیزیکی آن‌ها در محیط کسب و کار و نیز انذار و تبشیر مردم بهترین گواه مبنی بر اهمیت و ضرورت نظارت و کنترل در بازار مسلمانان است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «امیرالمومنین (ع) (به عنوان رهبر سیاسی و رئیس حکومت و نیز امام و هادی مسلمین) در بازارهای شهر کوفه حرکت می‌کرد. از یک بازار به بازار دیگر رفته و به همراه خود تازیانه‌ای داشت ... حضرت ندا می‌داد: (ای گروه بازرگانان) (بازاریان) تقوای الهی پیشه کنید. طلب خیر (و خیرخواهی) را مقدم بدارید با آسان‌گیری (در معاملات) برکت (از خدا) بخواهید. به خریداران نزدیک شوید، دروغ نگویند و از ستم و تعدی دوری کنید با مظلومین با انصاف رفتار کنید و به ربا نزدیک نشوید (سپس آیه شریفه ۸۵ سوره اعراف را تلاوت می‌فرمودند) «پیمان‌ه و ترازو را (در داد و ستدها) تمام ادا کنید و کالاهای مردم را کم مگذارید و در زمین پس از آنکه اصلاح گردید فساد نکنید» و بدین ترتیب در همه بازارها کوفه حرکت می‌کرد» (حکیمی و برادران، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۸۸). این روایت نشان می‌دهد که نظارت به همراه امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مهم و اساسی حکومت در نظام اسلامی است و در کنار دیگر وظایف، رهبر مسلمین با بازار و مسائل آن ارتباط دائمی و تنگاتنگ دارد.

پیامبر گرامی اسلام بر بازرگانی و عملکرد بازار مسلمانان نظارت مستقیم و مستمر اعمال کرده و به عنوان محتسب اموری را در بازار بر عهده داشتند. (محتسب در واقع همان امام و رهبر جامعه اسلامی است که ضمن نظارت بر عملکرد صحیح بازار امر به معروف و نهی از منکر و سایر وظایف رهبری، در ارتباط با بازار، را به عهده دارد). البته پیامبر (ص) که مصداق بارز محتسب بوده و وظایف این مقام را انجام می‌دادند،

روی اجناس قیمت گذاری نمی‌کردند؛ چه اینکه قیمت‌گذار خداوند متعال بوده و امام و والی در آن نمی‌تواند تصرف کند و تنها در زمان قحطی و کمبود این کار از سوی امام و والی میسر است ... لازم به ذکر است پیامبر(ص) علاوه بر نظارت شخصی بر بازار، سعد بن العاص را در بازار مکه و اصیحه بن العاص را در بازار مدینه به عنوان محتسب و نماینده خود به کار گمارده بودند (طرفدار، ۱۳۶۹، ص ۳۹).

سیره عملی رسول گرامی(ص) و امیرالمومنین(ع) مویذ این واقعیت است که کنترل و نظارت در بازار و امر به معروف و نهی از منکر در رعایت عدالت و انصاف و دوری از تعدی در معاملات روزمره به اندازه‌ای مهم است که خود این بزرگواران شخصا در محل کسب و کار مسلمین حضور می‌یافتند و مستقیما بر عملکرد بازار نظارت داشتند. بنابراین شایسته است در نظام اسلامی عالی‌ترین مقام اجرایی هر شهر و منطقه در بازار حضور یافته و ضمن رسیدگی به شکایات مردم در خصوص اجحاف و بی‌انصافی‌ها در معاملات، با بیان احادیث و روایات مردم را به رعایت عدالت و انصاف و نیز احسان به یکدیگر دعوت نماید.

اگر چنانچه به دلیل حجم زیاد وظایف و مسئولیت‌های مقام‌های اجرایی عملا حضور آن‌ها در بازارها و محل کسب امکان پذیر نبود، افرادی مطمئن، متعهد و مومن را به نمایندگی از خود به مسئولیت نظارت و کنترل بازار به کار گمارند. چنانچه بازارها گسترده و فعالیت‌ها متنوع بود مجموعه‌ای از افراد مورد اعتماد را در یک دستگاه اجرایی و نهاد وابسته به دولت گردآوری کرده و مأموریت نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها را به آنان واگذار کنند.

جمع‌بندی

در نظام اقتصادی اسلام، دولت به عنوان یک رکن مهم وظایفی را بر عهده دارد. در این نظام بخشی از وظایف دولت به مسأله بازار و کنترل قیمت‌ها مربوط می‌شود. با توجه به آثار سوء تورم، دولت در مقابله با تورم و نتیجه آن گرانی تلاش می‌کند. در صورتی که رشد قیمت‌ها به دلیل شرایط بازار و مسائل مربوط به عرضه و تقاضا (فراوانی، یا کمبود نسبی کالاها) باشد، دخالتی در کنترل و تعیین قیمت ندارد. اما اگر تورم به دلیل

انحصارهای کاذب، تبانی عرضه کنندگان، شرایط ساختگی، بی انصافی و افزون خواهی فروشندگان و امثال این‌ها باشد، برای رفع ظلم و برقراری عدالت اجتماعی در بازار دخالت کرده و قیمت گذاری می‌کند.

اقدام دستگاه حاکمه اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر و دعوت مردم به رعایت حقوق دیگران، رعایت عدل و انصاف و احسان به سایرین، مکمل نظارت مستمر دولت در بازار و کنترل قیمت‌ها می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- امینی، ابراهیم (۱۳۷۲)، «نقش اخلاق در اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات فارسی دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۱.
- انصاری، محمد جعفر و دیگران (۱۳۷۸)، درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چ ۱.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۱)، «دولت در اقتصاد از دیدگاه شهید صدر»، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، چ ۱.
- حکیمی، محمدرضا و برادران (۱۳۶۷)، الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ج ۵.
- خمینی، سید روح اله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، ج ۶ و ج ۱۸.
- طرفدار، محسن (۱۳۶۹)، بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۸۱)، «نقش اقتصادی دولت در اسلام»، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۱)، «دولت در اقتصاد از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱.
- نجفی، مهدی (۱۳۸۴)، «اخلاق و کارایی در بازار سهام از دیدگاه اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۸.

نقش دولت در تعیین قیمت کالاها و خدمات در نظام اقتصادی اسلام ۶۵

هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۶)، «مبانی نظریه دولت در قرآن کریم»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۶.

یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵)، «ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۳.

